

جنایت جنگی هتک کرامت انسان و رفتار موهن نسبت به اسرای دفاع مقدس

| فریدون جعفری* | استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی،
دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران
| علی محبی | دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی
(واحد تهران مرکزی)، تهران، ایران

چکیده

در این مقاله سعی شده است یکی از مصادیق جنایات جنگی که عبارت از هتک کرامت انسان به‌ویژه رفتار موهن و تحقیرآمیز است، تبیین گردد. جنایت مذکور در جزء ۲۱ قسمت ب بند ۲ ماده هشت اساسنامه دیوان کیفری بین‌الملل پیش‌بینی شده است. هرچند جنایات جنگی ارتکاب‌یافته در کمپ ۹ عراق فقط به این جنایت منحصر نمی‌شود، لکن جنایت هتک حرمت انسان به‌ویژه رفتار موهن و تحقیرآمیز به‌طور خاص مورد بررسی قرار گرفته است. از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه اسرای جنگی از حقوق خاصی برخوردارند. از جمله حقوق آنان طبق کنوانسیون سوم ژنو حق بر دسترسی به امکانات بهداشتی است. عدم تأمین عمده امکانات بهداشتی برای اسرای جنگی ممکن است موجب بروز بیماری در اسرا گردد و رفتاری توهین‌آمیز و تحقیرکننده محسوب شود. رویه قضایی مراجع بین‌المللی حقوق بشر همچون دیوان اروپایی حقوق بشر، دادگاه آمریکایی حقوق بشر نشان می‌دهد، عدم تأمین حداقل شرایط مساعد در اردوگاه‌های اسرا یا زندانیان بازداشت شده از جمله مصادیق رفتار غیرانسانی و تحقیرکننده و توهین‌آمیز است. آنچه در طی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در کمپ ۹ اسرای ایرانی در بند عراق اتفاق افتاد، مصداق بارز نقض مقررات کنوانسیون سوم ژنو و اساسنامه دیوان کیفری است. عدم تأمین امکانات بهداشتی برای اسرای ایرانی و توهین و تحقیر

آنان و شرایط نامساعد اردوگاه عراق به مدت زمان طولانی و در گستره‌ای وسیع (۱۲۰۰ اسیر) مسئولیت عراق را به سبب ارتکاب این جنایت جنگی در پی داشته است. **واژگان کلیدی:** کمپ نهم عراق، جنایت جنگی، رفتار توهین آمیز و تحقیرکننده، کنوانسیون سوم ژنو، اساسنامه رم

مقدمه

جنایات جنگی در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، به گونه‌ای بیان شده است که برخی از مصادیق آن چندان روشن نیست. به عنوان مثال اینجانب یکی از اسرای جنگی بودم که به مدت چهار سال و نیم در کمپ ۹ عراق در شرایطی به سر برده‌ام که آسایشگاه‌ها فاقد سرویس بهداشتی بوده‌اند. با این بیان که ساعت ۷ غروب تا ۷ صبح که درب آسایشگاه بسته می‌شد، اسیران به توالی دسترسی نداشتند و بدین لحاظ درد و رنج زیادی را متحمل می‌شدند. آثار و عواقب ناشی از نبود سرویس بهداشتی، موجبات تحقیر و وهن اسرا را فراهم می‌آورد. به نظر می‌رسد این مورد را می‌توان جنایت جنگی به حساب آورد. لکن اساسنامه دیوان در این خصوص صراحتی ندارد. اهمیت موضوع از این لحاظ است که بدانیم آیا می‌توان آثار ناشی از فقدان سرویس بهداشتی در آسایشگاه‌های اردوگاه ۹ را به عنوان جنایت جنگی محسوب کرد؟ اگر پاسخ به این سؤال مثبت باشد، لازم است در بازنگری‌ای که احتمالاً در آینده در خصوص تبیین مصادیق جنایات جنگی، صورت می‌گیرد، این مورد و موارد مشابه به طور صریح پیش‌بینی شوند. به‌ویژه اینکه در مدت چهار و نیم سال که حدوداً ۱۲۰۰ نفر در شرایط بسیار سخت موصوف زندگی می‌کردند، مأمورین صلیب سرخ جهانی مکرراً از کمپ ۹ و آسایشگاه‌های آن بازدید به عمل آورده، لکن متأسفانه کوچک‌ترین اقدام مؤثری در رفع این مشکل اساسی به عمل نیاوردند. لذا اگر جنایات جنگی با وضوح بیشتر و بدون هیچ‌گونه ابهامی در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی پیش‌بینی شود، هم دولت اسیرگیرنده وظیفه خود را می‌داند که شرایط استاندارد محل نگهداری اسیر جنگی را فراهم آورد و هم نهادهایی مانند صلیب سرخ جهانی به آسانی تخلف کشور اسیرگیرنده را هم به دولت مزبور گوشزد می‌نماید و هم گزارش نقض حقوق اسرای جنگی و تحقق جنایت جنگی را به نهاد مربوطه گزارش می‌کند.

۱. وقایع قضیه

کمپ ۹ متشکل از سه قسمت بود. با جمعیت حدوداً ۱۲۰۰ نفر برای هر قسمت که دارای ۴۰۰ اسیر بود. هیچ دستشویی‌ای در داخل آسایشگاه ساخته نشده بود، بلکه صرفاً در بیرون از آسایشگاه‌های هشت‌گانه، ده عدد دستشویی در محوطه ساخته شده بود که اغلب یکی دو تایی آن، به دلیل گرفتگی قابل استفاده نبود. از ساعت هفت غروب تا هفت صبح که درب آسایشگاه قفل می‌شد، هیچکس حق

مدفوع کردن نداشت بلکه تنها امکان ادرار کردن وجود داشت، آن هم در پشت پتویی که در گوشه هر آسایشگاه نصب شده و یک سطل بزرگی برای اینکار در نظر گرفته شده بود. یکی از شکنجه‌های جسمی و روحی که اسرا در طول اسارت تحمل کرده و از این بابت قطعاً دچار عوارض و بیماری شده‌اند، عدم وجود دستشویی در داخل آسایشگاه بود. از هفت غروب تا هفت صبح دقیقاً به مدت ۱۲ ساعت، کسی حق بیرون‌روی نداشت، یعنی اصلاً امکان بیرون‌روی و مدفوع کردن وجود نداشت. آنچه برای ادرار پیش‌بینی شده بود، به هیچ عنوان قابل استفاده نبود، به‌ویژه اینکه، اینکار علاوه بر آنکه جرم و قابل مجازات محسوب می‌گردید، موجب آبروریزی و خفت و خواری شخص می‌گردید.

یکی از اموری که دائماً ذهن اسرای ایرانی را به خود مشغول کرده بود، فقدان توالت در داخل آسایشگاه بود. به‌ویژه اینکه در طول ۱۲ ساعت (۷ شب تا ۷ صبح) شام هم صرف می‌شد و امتناع از بیرون‌روی، شکنجه جسمی و روحی بزرگی محسوب می‌شد. به مدت چهار سال و نیم اولین و مهم‌ترین کار هر صبح اسرای کمپ ۹ این بود که با تمام سرعت قبل از دیگران خود را به دستشویی برسانند. تصور کنید، ۴۰۰ نفر هر روز صبح با تمام سرعت به طرف توالت هجوم بیاورند. کندی و سستی در این کار باعث می‌شد، جزو آخرین نفراتی باشید که باید در پشت درب توالت منتظر بمانید. نسبت چهارصد نفر به ده دستشویی، چهل نفر است، یعنی هر صبح پشت درب هر دستشویی باید چهل نفر به صف می‌ایستادند، اما ساختمان دستشویی به‌هیچ‌وجه در یک زمان ظرفیت پذیرش این تعداد را نداشت و آسایشگاه‌هایی که مسافت نسبتاً طولانی داشتند هر چقدر با سرعت به طرف توالت هجوم می‌آوردند، باز هم نفرات آخر تلقی می‌شدند. به همین دلیل می‌بایست در محوطه اردوگاه قدم می‌زدند تا نوبتشان برسد، یا اینکه از نوبت دیگران استفاده می‌کردند. اما چون همه از وضعیت مشابهی برخوردار بودند امکان استفاده از نوبت دیگران بسیار بعید بود. نگهبانان عراقی هر روز این صحنه را مشاهده می‌کردند و کمترین اقدامی برای رفع این معضل صورت نمی‌دادند، یعنی چهار سال و شش ماه، صحنه هجوم چهارصد نفری به طرف دستشویی را دیدند ولی، آن‌ها کوچک‌ترین اقدامی برای برطرف کردن این مشکل انجام ندادند.

آثار عدم دسترسی به توالت ساعات طولانی امر بدیهی و روشن است. چه اینکه همه مردم با این مسئله درگیر می‌باشند. در روزهای عادی که شب‌ها صرفاً یک وعده غذایی داشتیم مشکل عدم دسترسی به توالت، طبق عادت قابل تحمل شده بود. اما در ماه مبارک رمضان که یک وعده غذایی، یعنی سحری، اضافه می‌شد، سختی و مشکل به اوج خود می‌رسید. همانگونه که گفته شد از ساعت هفت غروب تا هفت صبح درب آسایشگاه قفل شده و هیچ‌کس، حتی مسئول درجه‌دار اردوگاه حق

باز کردن درب را نداشت و در موارد استثنایی که بیماری حادی رخ می‌داد، باید با دستور مستقیم فرمانده اردوگاه درب باز می‌شد.

اضافه شدن یک وعده غذایی در ماه رمضان و عدم دسترسی به دستشویی و پر شدن معده، آثار و عوارض آن مشکل را طاقت‌فرسا نموده بود. عراقی‌ها حتی در رمضان هم، حق استفاده از سرویس بهداشتی موجود در محوطه اردوگاه را از ما سلب کرده بودند. همانگونه که قبلاً نیز اشاره شد، در یک گوشه آسایشگاه پتویی نصب شده و سطل بزرگی را برای ادرار گذاشته بودند و هیچ‌کس در سخت‌ترین شرایط حق استفاده از سطل مذکور به‌عنوان ظرف مدفوع نداشت، حتی در ماه رمضان که شرایط بسیار حاد می‌شد نیز استثنائی در این خصوص وجود نداشت.

علاوه بر اینکه استفاده از سطل مذکور، ممنوع و قابل توبیخ بود و هیچ‌کس از آن استفاده نمی‌کرد، زیرا موجب آبروریزی و هتک حیثیت او نیز می‌شد، چراکه جو آسایشگاه به‌نحوی شکل گرفته بود که استفاده از سطل ادرار به‌عنوان توالی، امر قبیح و قابل سرزنش تلقی می‌شد. به خاطر حفظ شأن و شخصیت هم که شده، هم آسایشگاهی‌ها تمام سعی و تلاش خود را به کار می‌گرفتند تا از سطل استفاده نکنند، لکن قضای حاجت امر اختیاری نیست که بشود با آن کنار آمد و در هر حال با آن مقابله و مبارزه کرد. به ناچار مواقعی بروز و ظهور پیدا می‌کند که دیگر آبرو و حیثیت باید قربانی شود. سوزش ضربات شلاق و کابل، دو سه دقیقه بیشتر طول نمی‌کشد و مهم‌تر اینکه آثار روحی و روانی به‌جای نمی‌گذارد، در حالی‌که در مسئله مورد بحث، علاوه بر شکنجه جسمی و بروز بیماری، عوارض روانی و هتک حیثیت و شخصیت به همراه دارد که هیچ‌گاه آثار آن از بین نمی‌رود و از دیدگاه حقوق بشردوستانه، ابتدایی‌ترین حقوقی است که در عرف بین‌الملل و کنوانسیون سوم ژنو مورد تأکید قرار گرفته است. کسانی که در میدان نبرد و اسارتگاه‌ها حضور داشتند، باید با حفظ امانت مسائل را بدون هیچ‌گونه تغییر و تحریفی ذکر نمایند، مسلماً تاریخ ایران اسلامی در بخش جنگ و دفاع مقدس از اهمیت بسزایی برخوردار است که به‌عنوان یک تکلیف دینی و ملی بر کسانی که مستقیماً درگیر ماجرا بوده‌اند واجب است وظیفه خویش را در این رابطه ادا نمایند.^۱

۱. با تعداد بیش از ۵۰ نفر اسرای حاضر در کمپ ۹ در خصوص موضوع مصاحبه صورت گرفته و همگی جنایت مورد بحث را مورد تأیید قرار داده‌اند.

۱- ماشاءالله سعیدی ۲- حمید پناهی ۳- محمد علیزاده ۴- احمد جعفری ۵- محمود جعفری ۶- رضا عالمی ۷- اسماعیل حجتی (کمپ ۹ قسمت اول آسایشگاه ۷) ۸- رضا عبداللهی ۹- ناصر زهدی ۱۰- داوود اصلانی ۱۱- عنایت آزادی ۱۲- حمید طلائئی ۱۳- خیرالله طاووسی ۱۴- سید عباس خلوصی ۱۵- سید مجید ۱۶- بشیر اسماعیلی

چندین بار علی‌رغم قباحات عمل و هتک حیثیت، مشاهده شد که یکی از بچه‌ها مجبور شده است، پیش چشم همه از جایش بلند شده و با تمام سرعت به طرف گوشه آسایشگاه یعنی پشت پتو برود و با رفع حاجت از تحمل آن شکنجه کشنده خود را خلاص کند. از این موارد در کمپ ۹ بسیار افتاده و حقوق ابتدایی اسرای ایرانی نقض گردیده است. لکن شاید برخی از اسرا بیان این مسائل را جایز یا صلاح ندانند. ولی به نظر می‌رسد واقعیت‌هایی که در دوران اسارت اتفاق افتاده است، باید در تاریخ ایران اسلامی محفوظ و مضبوط گردد. آیندگان می‌بایست از تاریخ جنگ و آثار و عوارض آن بدون کم‌وکاست اطلاع حاصل کرده و رفتار غیرانسانی عوامل رژیم بعث عراق با اسرا را مورد بحث و بررسی قرار بدهند، به‌ویژه اینکه این وقایع توسط کسی بازگویی می‌شود که با گوشت و پوست و استخوان لحظه‌لحظه آن حوادث را لمس و درک کرده است.

حدوداً ساعت ۲ بعد از نیمه شب به بیرون‌روی شدیدی مبتلا شدم، به‌طوری که حقیقتاً معنای یک شکنجه جسمی و روانی را تجربه کردم. کاملاً برای من مسلم شده بود که به هیچ عنوان نمی‌توانم تا صبح و باز شدن درب آسایشگاه صبر کنم، لذا تصمیم گرفتم در فرصت مناسب خود را از تحمل این شکنجه خلاص نمایم. اما لکه‌دار شدن حیثیت و شخصیت خودم را به‌هیچ‌وجه نمی‌توانستم تحمل کنم، زیرا کسانی که زندانی بوده‌اند، به‌خوبی درک می‌کنند که کلیه ۵۰ نفر حاضر در آسایشگاه دوست تلقی نمی‌شدند و طبیعی است که به مرور زمان با توجه به شرایط سخت اردوگاه عده‌ای بدخواه و دشمن بخواهند از این قضیه سوءاستفاده کرده تا هتک حرمت و شخصیت مرا فراهم آورند. همچنین خبر آبروریزی فقط منحصر به آسایشگاه نمی‌شد و فردا صبح توسط بدخواهان در سطح اردوگاه پخش گردیده و رسوایی غیرقابل جبرانی به‌بار می‌آورد. لذا قبلاً در این زمینه فکر کرده بودم که

فرجام ۱۷- سید حبیب الله مصطفوی (کمپ ۹ قسمت اول آسایشگاه ۴) ۱۸- مجتبی فیض اللهی ۱۹- سید هادی حسینی اخگر ۲۰- فیروز اصلانی (کمپ ۹ قسمت اول آسایشگاه ۵) ۲۱- محمد کاظمی ۲۲- رحیم کاظمی ۲۳- پرویز مردانی ۲۴- علی مختاری ۲۵- ایوب اسلامی ۲۶- اکبر اسلامی (کمپ ۹ قسمت اول آسایشگاه ۸) ۲۷- مجید غلامی ۲۹- ابراهیم کشور (کمپ ۹ قسمت اول آسایشگاه ۳) ۳۰- محمد میرانی (کمپ ۹ قسمت دوم آسایشگاه ۱) ۳۱- علیر خلووسی ۳۲- اسماعیل نقی پور ۳۳- علی شهبازی ۳۴- اصغر صمدی (کمپ ۹ قسمت دوم آسایشگاه ۲) ۳۵- ابوالقاسم موسوی ۳۶- حمید فرهادی ۳۷- ایرج عباسی (کمپ ۹ قسمت دوم آسایشگاه ۳) ۳۸- محمد پوینده ۳۹- ایوب فانی ۴۰- جعفر سلیمانی ۴۱- ابوالقاسم مرادی ۴۲- عباس خیر آبادی ۴۳- ارشد عباسی ۴۴- مسعود محمدی جوزانی ۴۵- حمید فلاح پور ۴۶- قاسم هاشمی ۴۷- حمید سهرابی ۴۸- احمد شریفی ۴۹- غلام عظیمی (کمپ ۹ قسمت دوم آسایشگاه ۴) ۵۰- علیرضا خلووسی ۵۱- موسی سزا سلطانی ۵۲- حسن اسدی ۵۳- قهرمان ذبیحی ۵۴- علی اکبر مختاری ۵۵- سهراب قاسملو ۵۶- علی فراهانی (کمپ ۹ قسمت دوم آسایشگاه ۶)

اگر در چنین موقعیت سختی گرفتار شدم، چکار کنم که کسی متوجه موضوع نشود. تصمیم من این بود که مدفوع را طوری با دست در ادارار حل کنم که اثری از آن نماند. هرچند اینکار موجب تغییر رنگ ادارار می‌شد ولی این آخرین شیوه‌ای بود که می‌توانستم از هتک حرمت و تحقیر شخصیت از سوی دیگران نجات پیدا کنم. کاملاً روشن است این کار، کاری چندش‌آور و ناپسند است، لکن اگر به قیمت حفظ شخصیت و آبرو تمام شود می‌ارزد.

۲. تجزیه و تحلیل ارکان سه‌گانه عدم تأمین امکانات بهداشتی برای اسرا مصداق بارز رفتار غیرانسانی و توهین‌آمیز

۲-۱. عنصر قانونی

۱. اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، ۲. اساسنامه دادگاه یوگسلاوی (سابق)، ۳. اساسنامه دادگاه نورنبرگ و توکیو، ۴. جنایات جنگی مندرج در اساسنامه دادگاه رواندا، ۵. کمیسیون اروپایی حقوق بشر، ۶. مقررات و قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی

جنایات جنگی مندرج در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری به چهار گروه اصلی تقسیم می‌شوند. ماده ۸ اساسنامه مذکور، جرائم جنگی را این‌چنین بیان می‌کند:

۱. نقض‌های فاحش کنوانسیون‌های ژنو در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی، ۲. دیگر تخلفات جدی از قوانین و عرف‌های ناظر بر درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی، در چهارچوب تثبیت‌شده حقوق بین‌الملل، ۳. تخلفات جدی از ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی، ۴. دیگر تخلفات جدی از قوانین و عرف‌های ناظر بر درگیری‌های مسلحانه فاقد خصیصه بین‌المللی در چهارچوب تثبیت‌شده حقوق بین‌المللی (شریعت باقری، ۱۳۸۴: ۲۰۳)

هرچند در متن این مقاله در راستای تبیین جنایت هتک کرامت انسان و رفتار موهن به تصمیمیات محاکم یوگسلاوی و نورنبرگ و غیره اشاره گردیده است، لکن آنچه معیار تشخیص جنایت جنگی تلقی شده است اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری است. همچنین به دلیل نزدیکی مفهوم رفتار غیرانسانی به هتک کرامت انسانی و رفتار موهن به جنایت مذکور نیز اشاره می‌شود تا اینکه از مقایسه این دو مفهوم احراز نماییم که کدام‌یک از این دو جنایت می‌تواند آثار ناشی از فقدان سرویس بهداشتی را تحت پوشش قرار دهد.

۲-۱-۱. هتک کرامت انسان به‌ویژه رفتارهای موهن و تحقیرآمیز^۱

متن مصوب کمیسیون مقدماتی: ۱. مرتکب به کرامت فرد یا افرادی تعدی کرده، آن را تحقیر کرده یا به طریقی دیگر آن را نقض نموده باشد، ۲. شدت، تحقیر، تخفیف یا نقض به اندازه‌ای باشد که

۱. جزء ۲۱ قسمت ب بند ۲ ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی

عموماً به عنوان هتک کرامت انسانی تلقی شود، ۳. این رفتار در چهارچوب و در ارتباط با یک مخاصمه مسلحانه بین المللی صورت پذیرفته باشد، ۴. مرتکب با علم به اوضاع و احوال عینی موجد مخاصمه مسلحانه، مرتکب جنایت مزبور شده باشد.

۲-۱-۲. جنایت رفتار غیر انسانی^۱

۱. مرتکب، درد یا رنج شدید جسمی یا روحی را بر فرد یا افرادی تحمیل کرده باشد.
۲. این فرد یا افراد، تحت حمایت یکی یا بیش از یکی از کنوانسیون های ژنو ۱۹۴۹ باشند.
۳. مرتکب از اوضاع و احوال عینی موجد وضعیت مورد حمایت آگاهی داشته باشد.
۴. این عمل، در چهارچوب و در ارتباط با یک مخاصمه مسلحانه بین المللی ارتکاب یابد.
۵. مرتکب با علم به اوضاع و احوال عینی موجد مخاصمه مسلحانه، مرتکب جنایت مزبور شده باشد.

طبق ماده ۲۹ کنوانسیون ژنو «دولت اسیرگیرنده متعهد است که همه اقدامات لازم برای اطمینان از نظافت و سلامت اردوگاه های خود را به عمل آورد و از شیوع بیماری ها پیشگیری نماید».^۲

در طول جنگ جهانی دوم اسرا بعضاً از دسترسی به توالت های بهداشتی در طول شب محروم بودند^۳ و همین مسئله باعث شد کنوانسیون ۱۹۲۹ به صراحت این حق را برای اسرا پیش بینی نماید.^۴

دولت اسیرگیرنده باید در تأمین امکانات بهداشتی و جلوگیری از شیوع بیماری در اردوگاه های اسرا مانند زندانیان خود عمل نماید.

اسرا به طور شبانه روزی باید از امکانات بهداشتی برخوردار باشند و مستمراً پاکیزگی محیط های بهداشتی باید تضمین شود. برای زنان باید امکانات بهداشتی جداگانه ای در نظر گرفته شود. علاوه بر تأمین امکانات لازم برای استحمام باید آب و مواد شوینده لازم برای نظافت بدن و لباس ها تأمین شود. تأسیسات لازم، تسهیلات و زمان لازم برای این اهداف باید در نظر گرفته شود.

مسئله تأمین توالت های بهداشتی از جمله مهم ترین مسائل مربوط به حفظ نظافت و بهداشت در اردوگاه هاست. این تأسیسات باید طوری ساخته شود که که ضمن حفظ کرامت و شخصیت اسرا

۱. جزء دوم، قسمت الف، بند ۲، ماده ۸، اساسنامه دیوان بین المللی کیفری

2. Geneva Convention III, Relative to the Treatment of Prisoners of War, article 29.

3. See Report of the International Committee of the Red Cross on its activities during the Second World War, Vol. I, p. 263.

4. Commentary to Geneva Convention III, Relative to the Treatment of Prisoners of War, published under the general editorship of Jean S. Pictet, Doctor of Law Director for General Affairs of the International Committee of the Red Cross, International Committee of the Red Cross, 1960. P. 207.

و نظافت محیط، تعداد آن‌ها به اندازه کافی شاخته شده باشد. چنانچه توالتهای ساخته شده کافی نباشد دولت اسیرگیرنده باید فوراً به میزان لازم تأمین نماید. این تأسیسات باید به طور دوره‌ای مورد نظافت قرار گیرند.^۱

رژیم بعث عراق می‌توانست برای تأمین امکانات بهداشتی برای اسرای ایرانی از همان اسرای ایرانی در بند خود به عنوان بخشی از کار در اردوگاه استفاده نماید. این امر مغایرتی با حقوق اسرا در اسناد بین‌المللی ندارد.^۲ البته باید برای این کار دستمزد بگیرند. هر چند مسئولیت نهایی تأمین چنین امکاناتی به عهده دولت اسیرگیرنده است.^۳

عبارت اقدامات بهداشتی ضروری لازم می‌آورد که چنانچه لازم باشد توالتهای شخصی نیز در نظر گرفته شود. زمانی که برای نظافت شخصی هر کس اختصاص داده می‌شود حداقل دو نوبت در روز - یکی صبح و دیگری عصر بعد از کار - باید باشد.^۴

اسیران جنگی در همه احوال مستحق احترام به شخصیت و شرافت خویش می‌باشند. با زنان باید با کلیه احتراماتی که لازمه جنس آن‌ها می‌باشد، رفتار شود و در هر حال باید از همان رفتار مساعدی که در حق مردان اعطا می‌شود، برخوردار گردند.^۵ اسیران جنگی اهلیت مدنی کامل خود را به نحوی که هنگام اسارت موجود بوده، حفظ می‌کنند و دولت بازداشت‌کننده نباید اعمال اهلیت مذکور را در خاک خود یا در خارج محدود سازد، مگر در حدودی که اسارت اقتضا دارد. هیچ اسیر جنگی را نمی‌توان به کاری که برای یک فرد نیروهای مسلح دولت بازداشت‌کننده تحقیرآمیز باشد، گماشت.^۶ از این حیث همچنین به بند ۱ ماده ۹۵ کنوانسیون چهارم ژنو مقرر می‌کند:

دولت بازداشت‌کننده نمی‌تواند بازداشتیان را به عنوان کارگر به کار گمارد، مگر آنکه خودشان تمایل داشته باشند ... استخدام در مشاغلی که دارای ویژگی موهن یا تحقیرآمیز می‌باشد، در همه

1. Commentary to Geneva Convention III, Relative to the Treatment of Prisoners of War, published under the general editorship of Jean S. Pictet, Doctor of Law Director for General Affairs of the International Committee of the Red Cross, International Committee of the Red Cross, 1960. P. 207.

۲. ماده ۵۰ کنوانسیون سوم

۳. ماده ۱۵ کنوانسیون ۱۹۲۹

4. Commentary to Geneva Convention III, Relative to the Treatment of Prisoners of War, published under the general editorship of Jean S. Pictet, Doctor of Law Director for General Affairs of the International Committee of the Red Cross, International Committee of the Red Cross, 1960. P. 208.

۵. ماده ۱۴ کنوانسیون سوم

۶. بند ۲ ماده ۵۲ کنوانسیون سوم ژنو

احوال ممنوع می‌باشد. افراد مورد حمایت در همه احوال، مستحق احترام به شخصیت و شرافت خود و حقوق خانوادگی خود و اعتقادات و اعمال مذهبی خود و عادات و رسوم خود می‌باشند. در هر زمان با آنان با انسانیت رفتار خواهد شد و به‌ویژه در مقابل همه گونه عمل خشونت‌آمیز یا تهدید به آن و توهین و کنجکاوی عمومی حمایت خواهند گردید.^۱

اسرای جنگی علاوه بر حقوق خاص خود طبق موازین حقوق بین‌الملل بشردوستانه باید از تضمین‌های حقوق بشر نیز برخوردار گردند. به عبارت دیگر حقوق بشر در زمان جنگ نیز قدرت اجرایی خود را از دست نمی‌دهد اگرچه حقوق بشردوستانه در زمان صلح محل اجرا ندارد. ازاین‌رو محاکم حقوق بشر جهان از جمله دیوان اروپایی حقوق بشر و دیوان بین‌آمریکایی حقوق بشر در برخی از قضایای خود متعرض شرایط بازداشت و لزوم تأمین امکانات بهداشتی برای زندانیان نیز شده‌اند.

۲-۲. عصر مادی

رکن مادی این جنایت می‌تواند به‌صورت فعل یا ترک فعل باشد. یکی از بارزترین رفتار مادی جرم به‌صورت فعل است. مانند توهین، فحاشی و تحقیر و غیره که در این حالت جنایت به‌طور مستقیم از طرف مرتکب متوجه قربانی است. لکن در صورتی که جرم به‌صورت ترک فعل تحقق یابد لازم است که یک سری وظایف قانونی برای مرتکب پیش‌بینی شود تا با ترک وظیفه جنایت به وقوع بپیوندد. به عبارت دیگر برای تحقق جرم به‌صورت ترک فعل وجود وظیفه قانونی ضروری است. با این وصف در حالت فقدان وظیفه، ترک فعل نمی‌تواند موجبات تحقق جرم را فراهم آورد. همان گونه که اشاره شد مطابق مقررات بین‌المللی به‌ویژه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای اسیر گیرنده وظایفی تعیین و تعریف شده است که رعایت آن ضروری بوده و در صورتی که به این وظایف عمل نشود، از سویی حقوق اسیران جنگی نقض شده و از سوی دیگر جنایت جنگی محقق می‌گردد.

همانگونه که مورد استناد قرار گرفت مطابق مواد ۲۲ و ۲۵ کنوانسیون سوم ژنو تهیه مسکن مناسب با کلیه امکانات لازم وظیفه کشور اسیرگیرنده است. بدون شک پیش‌بینی سرویس بهداشتی در داخل آسایشگاه در حالتی که به مدت ۱۲ ساعت از غروب تا صبح درب آن بسته می‌شود از امکانات ضروری است. با این وصف عدم پیش‌بینی توالی در آسایشگاه که آثار و عوارض تحقیرآمیز و مغایر با شأن و کرامت انسان ایجاد می‌کند مصداق بارز ترک فعل و موجب تحقق جنایت هتک کرامت انسان و رفتار موهن است.

۱. ماده ۲۷ کنوانسیون چهارم ژنو

عنصر مادی، اولاً، کلیه اشخاص را می‌توان به لحاظ جزایی مسئول ارتکاب جنایات جنگی قلمداد کرد. اصولاً هر جنایت را باید به‌طور موردی تحت بررسی قرار داد، بر این اساس افراد غیرنظامی نیز ممکن است مسئول ارتکاب جنایات جنگی شناخته شوند (کریانگ ساک کیتی شیایزری، ۱۳۸۳: ۲۵۸). دوم اینکه، به نظر می‌رسد هر فعل یا ترک فعلی که نقض مقررات حقوق بشردوستانه بین‌المللی باشد (جوانی، بی‌تا: ۱۲۲) می‌تواند به‌عنوان عنصر مادی این دسته از جرائم قلمداد شود.

عبارت‌پردازی جنایت حاضر، مبین این است که رفتارهای موهن و تحقیرآمیز صرفاً از هتک حرمت کرامت انسانی هستند. استعمال واژه «به‌ویژه» در نص این عبارت‌پردازی مؤید تمثیلی بودن این رفتارها می‌باشد.^۱

به زعم کمیسیون مقدماتی، عنصر مادی این جنایت عبارت است از تحقیر، تخفیف یا رفتار دیگری که ناقض کرامت و حرمت انسان باشد. استعمال واژه به‌ویژه در جزء ۲۱ قسمت ب بند ۲ ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، مبین این واقعیت است که اساسنامه تحقیر و تخفیف را به‌عنوان مصادیقی از هتک کرامت انسان لحاظ نموده است. کمیسیون مقدماتی با گنجانیدن عبارت «یا به طریقی دیگر کرامت فرد یا افراد را نقض نموده باشد» در بند یک، تلاش نمود تا از محدودشدن این جنایت به تحقیر و تخفیف جلوگیری نموده و بتواند دیگر انواع هتک کرامت انسانی را نیز در برگیرد. رفتار را نمی‌توان موهن قلمداد نمود، مگر اینکه افراد مربوط در برابر دیدگان دیگران یا در برابر چشمان خود، متحمل تحقیر یا تخفیفی شده باشند که به سطح حداقل شدت لازم رسیده باشد.^۲

در حین ارزیابی اینکه آیا رفتار به درجه‌ای رسیده است که تشکیل‌دهنده هتک کرامت انسانی باشد، زمینه‌های فرهنگی قربانی را باید ملحوظ نظر قرار داد. با عنایت به اینکه اغلب شدت تحقیر یا تخفیف قربانیان به زمینه‌های فرهنگی ایشان بستگی دارد، این قید، مهم تلقی شد (کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و کمیته ملی حقوق بشردوستانه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳).

آموزه‌های فرهنگی در تعیین رفتارهای موجب هتک حرمت انسان نقش اساسی دارد. چه اینکه ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی که فرد در آن تربیت یافته است شخصیت وی را تعریف می‌کند. شاید آثار و عواقب تحقیرآمیزی که از فقدان سرویس بهداشتی در کمپ ۹ برای اسرای ایرانی ایجاد می‌شد در سایر فرهنگ‌ها وضعیت به این سخت‌گیرانه نباشد. لکن فرهنگ ایرانی و به‌ویژه شرایط و

1. ICTY, Judgment, The Prosecutor v. Anto Furundzija, IT.95-17/1-T. para.186.p.73; 121 ILR 218 at 272

2. ECtHR Case of Campbell and Consans, Publication of the European Court of Human Rights, Series A; Judgments and Decisions, vol, 48, p.13; 67ILR480 at 492.

اوضاع و احوال اردوگاه و ممنوعیت رفع حاجت در شب‌ها و تعیین مجازات برای آن از لحاظ فرهنگی قابل‌پذیرش نبود.

از جمله مصادیق فرهنگی (که در طول مذاکرات به آن‌ها اشاره شد) می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: فرد دیگر قربانی را مجبور نموده باشد تا چیزی را که تناول آن در مذهب وی ممنوع می‌باشد، تناول نماید. دومین مصداق که بر قضایای مربوط به جنگ دوم جهانی^۱ تکیه دارد عبارت است از تراشیدن موی سرو ریش اسیران جنگی هندی که دارای مذهب سیک هستند و اجبار ایشان به کشیدن سیگار حال آنکه پیروان مذهب سیک از تراشیدن موی سر یا ریش و نیز استعمال دخانیات ممنوع می‌باشند. این رفتار باید هدف اصلی مقرر در این جنایت، یعنی تعدی نسبت به کرامت انسانی را به دنبال داشته باشد. دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق از این حیث اشعار داشت:

«هتک حرمت کرامت انسانی مقرر در ماده ۳ اساسنامه، شکلی اسفناک از رفتار غیرانسانی است و بعضاً درد و رنج ناشی از آن از اکثر اعمال ممنوعه داخل در این قسم از رفتارها، شدیدتر می‌باشد. بی‌تردید، ممنوعیت اعمال تشکیل‌دهنده هتک حرمت انسانی از ارزشی مهم صیانت به عمل می‌آورد. فی الواقع، به سختی می‌توان ارزشی مهم‌تر از احترام به فردیت انسانی را مورد شناسایی قرار داد»^۲. دادستان دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق خاطر نشان ساخت:

«صیانت از کرامت انسانی مشتمل بر (ممنوعیت) هر گونه فعل یا ترک فعلی است که تمامیت قربانی من جمله تمامیت جنسی وی را تحقیر، تخفیف یا مورد حمله قرار دهد»^۳. از این حیث، دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق به‌ویژه در قضیه آلفوفسکی خاطر نشان ساخت:

«هتک کرامت فرد عملی است که از طریق اهانت به کرامت انسانی فرد دیگر تحقق می‌یابد. در نتیجه، این عمل باید موجب تحقیر یا تخفیف شدید قربانی شده باشد. ضرورتی ندارد عمل مذکور مستقیماً به سلامت روانی یا جسمی قربانی آسیب وارد نماید. فی الواقع همین که این تهدید یا تمسخر منجر به درد و رنج بلندمدت و واقعی در فرد شده باشد، کافی خواهد بود. مسلماً درجه رنجی که قربانی متحمل می‌شود، به طبیعت وی بستگی خواهد داشت. از این حیث افراد حساس آمادگی بیشتری دارند که تحقیرآمیز بودن رفتار دیگران را درک کرده و بیش از دیگران تحت تأثیر درد و رنج ناشی از این رفتارها قرار گیرند.

1. Tanaka Chuichi and Other Case, in UNWCC, LRTWC, vol. XIII. pp.62 ff; 13AD289.

2. ICTY, Judgment, The Prosecutor v. ZlatkoAleksovski, IT.95-14/1-T. para.54.

3. ICTY.Prosecutor's Pre-trial Brief, The Prosecutor v. Dragoljubkunarac, IT.96-23-PT.PP.28ff.

از سوی دیگر، مرتکب باید جهت ایجاد اضطراب شدید در افراد دارای روحیه آرام، تلاش بسیاری به عمل آورد. زیرا رفتارهای دیگران این افراد را پریشان خاطر نمی سازد و چنانچه رفتاری را تحقیرآمیز قلمداد نمایند، برای غلبه بر آن بیش از دیگران، نسبت به این رفتار بی اعتنا خواهند بود. بنابراین رفتاری واحد از مرتکب می تواند رنج شدیدی را در افراد حساس ایجاد نموده و هم زمان برای افراد دارای روحیه آرام از اهمیت چندانی برخوردار نباشد. همان طور که مشاهده می شود این تفاوت در نتیجه منبعث از عنصر ذهنی است.^۱

طبق ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر «هیچ کس نباید در معرض شکنجه و رفتار یا مجازات غیرانسانی و توهن آمیز قرار گیرد».^۲ دیوان اروپایی حقوق بشر پس از تحقیقات به این نتیجه رسید که «در سلولی که خواهان ها زندانی بودند به شدت کثیف و کهنه بود و رنگ دیوارها و سقف آن از بین رفته بود، رختخواب های آن بسیار کثیف و کهنه بوده است. تشک های بادی و زمینی که با مقوا پوشانده شده بود به دشواری می توان گفت کودکان را بتوان در چنین شرایطی بتوان زندانی کرد».^۳

به همه این موارد باید امکان دسترسی محدود به توالت و سرویس های بهداشتی را افزود ... که زندانیان را مجبور می کردند در کف سلولی که در آنجا زندانی بودند، قضای حاجت نمایند.^۴

دیوان اروپایی حقوق بشر بارها تأکید کرده است که در رابطه با امکانات بهداشتی زندانیان، زندانی را در وضعیت تحقیرآمیز نگه داشتن یا مجبور کردن او به اینکه در حضور هم سلولی های خود درون سطلی قضای حاجت نماید هیچ توجیهی ندارد، مگر اینکه آزاد گذاشتن زندانی برای دسترسی به امکانات بهداشتی دارای خطر شدید امنیتی باشد.^۵

از نگاه دیوان، مقامات بلغارستان با نگهداری زندانیان در شرایط دشوار از جمله عدم دسترسی به توالت و امکانات بهداشتی خواهان ها را در معرض رفتار غیرانسانی و توهن آمیز قرار داده اند^۶ و به همین جهت ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را نیز نقض کرده اند.^۷

1. ICTY, Judgment, The Prosecutor v. ZlatkoAleksovski, IT.95-14/1-T.para.56.

2. Article 3 of The European Convention of Human Rights.

3. The European Court of Human Rights, CASE OF S.F. AND OTHERS v. BULGARIA, Judgment, 07/03/2018,, Para. 84.

4. The European Court of Human Rights, CASE OF S.F. AND OTHERS v. BULGARIA, Judgment, 07/03/2018,, Para. 85.

5. The European Court of Human Rights, CASE OF S.F. AND OTHERS v. BULGARIA, Judgment, 07/03/2018,, Para. 86.

6. The European Court of Human Rights, CASE OF S.F. AND OTHERS v. BULGARIA, Judgment, 07/03/2018, Para. 90

7. The European Court of Human Rights, CASE OF S.F. AND OTHERS v. BULGARIA, Judgment, 07/03/2018, para. 93

در قضيه الكتروفسكي^۱، دادستان دادگاه کيفري بين المللي يوگسلاوي سابق با تمسک به تفسير کميته بين المللي صليب سرخ، بر ماده ۷۵ پروتکل اول الحاقی و نیز داده‌های دادگاه کيفري بين المللي يوگسلاوي سابق در همين قضيه^۲، هتک کرامت انساني به‌ويژه رفتارهای موهن و تحقير آميز، فحشاي اجباري يا هر شکل از حملات بی‌شرمانه را به شرح ذيل توصيف نمود:

«هتک حرمت کرامت انساني، به اعمالی اشاره دارد که هدف از آن‌ها (بدون اینکه مستقيماً موجب صدمه به تماميت جسمي و رواني افراد شوند) تحقير و تمسخر افراد يا حتی اجبار ايشان به انجام اعمالی موهن می‌باشد.»

مصاديق هتک کرامت انسان و رفتار موهن ناشی از فقدان سرويس بهداشتی در آسايشگاه‌های کمپ ۹ بدین شرح است:

۱. تعيينه پتو در گوشه آسايشگاه و قراردادن یک سطل در پشت آن صرفاً برای ادرار.
۲. ممنوعيت استفاده از سرويس بهداشتی موجود در محوطه اردوگاه در طول بسته شدن درب آسايشگاه به مدت ۱۲ ساعت.
۳. ممنوعيت استفاده از سطل ادرار موجود در آسايشگاه در موارد اضطراري به‌نحوی که اگر کسی به دليل عدم تحمل ضبط مدفوع ناگزير از استفاده می‌شد، مورد تحقير و تمسخر قرار می‌گرفت.
۴. گاهی استفاده‌کننده از ظرف ادرار، به نگهبان اردوگاه معرفی و مورد تنبيه و يا حداقل مورد استهزا و تمسخر قرار می‌گرفت. اين تمسخر و تحقير نه به‌طور خصوصي بلکه در حضور ديگران در آسايشگاه صورت می‌گرفت.
۵. گاهی مشاهده می‌شد صبح هنگام، قبل از باز شدن درب آسايشگاه شخصی در اثر فشار =های ضبط مدفوع دائم در جنب‌وجوش و حرکت است تا بلافاصله پس از گشوده شدن درب خود را به توالت موجود در محوطه برساند.
۶. هجوم ۴۰۰ نفری اسيران به طرف توالت‌های موجود در محوطه به مدت چهار سال و نیم که گاهی با تمسخر و توهين نگهبانان عراقي همراه بود.
۷. ازدحام جمعيت پشت توالت‌های ده‌گانه در صبح که اغلب یکی دو تا از آن‌ها قابل استفاده نبود. به‌خاطر عدم گنجایش محوطه سرويس بهداشتی، کسانی که دير می‌رسيدند باید در حياط اردوگاه قدم می‌زدند تا نوبشان فرا برسد.

1. ICTY.Prosecutor's Closing Brief, The Prosecutor v. ZlatkoAleksovski, IT.95-14/1-PT. para56, p.23.

2. ICTY, Judgment, The Prosecutor v. ZlatkoAleksovski, IT.95-14/1-T. para.55.

۸. گاهی شب‌ها قبل خواب مشاهده می‌شد کسی به دلیل عدم تحمل ضبط مدفوع با تمام سرعت از جایش بلند شده به طرف گوشه آسایشگاه یعنی ظرف ادرار می‌دود.

مفاد فوق در مواد متعدد کنوانسیون های ژنو (ماده ۳ مشترک، ماده ۱۴ و ماده ۲۵۲ کنوانسیون سوم و ماده ۳۲۷ کنوانسیون چهارم) انعکاس یافته است.^۴

شعبه بدوی دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق در قضیه کوناراج و دیگران درخصوص رنج بلندمدت، (همان‌گونه که در مطلب فوق از دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق نقل شد) رویکرد متفاوتی را در پیش گرفت:

۱. ماده ۱۴ کنوانسیون سوم:

«اسیران جنگی در همه احوال مستحق احترام به شخصیت و شرافت خویش می‌باشند. با زنان باید با کلیه احتراماتی که لازمه جنس آن‌ها می‌باشد، رفتار شود و در هر حال باید از همان رفتار مساعدی که در حق مردان اعطا می‌شود، برخوردار گردند.

اسیران جنگی اهلیت مدنی کامل خود را به نحوی که هنگام اسارت موجود بوده، حفظ می‌کنند و دولت بازداشت‌کننده نباید اعمال اهلیت مذکور را در خاک خود یا در خارج محدود سازد. مگر در حدودی که اسارت اقتضا دارد.»

۲. بند ۲ ماده ۵۲ کنوانسیون سوم ژنو:

«هیچ اسیر جنگی را نمی‌توان به کاری که برای یک فرد نیروهای مسلح دولت بازداشت‌کننده تحقیرآمیز باشد، گماشت. از این حیث همچنین به بند ۱ ماده ۹۵ کنوانسیون چهارم ژنو رجوع نمایید که مقرر می‌کند:

«دولت بازداشت‌کننده نمی‌تواند بازداشتیان را به عنوان کارگر به کار گمارد، مگر آنکه خودشان تمایل داشته باشند ... استخدام در مشاغلی که دارای ویژگی موهن یا تحقیرآمیز می‌باشند، در همه احوال ممنوع می‌باشد.»

۳. ماده ۲۷ کنوانسیون چهارم ژنو:

«افراد مورد حمایت در همه احوال، مستحق احترام به شخصیت و شرافت خود و حقوق خانوادگی خود و اعتقادات و اعمال مذهبی خود و عادات و رسوم خود می‌باشند. در هر زمان با آنان با انسانیت رفتار خواهد شد و به ویژه در مقابل همه گونه عمل خشونت‌آمیز یا تهدید به آن و توهین و کنجکاوی عمومی حمایت خواهند گردید.

زنان به ویژه در مقابل تخطی به شرافت به ویژه تجاوز به عنف و اجبار به فحشا و هرگونه حملات شرم‌آور حمایت خواهند شد.

دولت متخاصمی که افراد مورد حمایت را در اختیار خود دارد با رعایت مقررات مربوط به وضع مزاج، سن و جنس آنان با همگی با توجهات متساوی بودن هیچ‌گونه تبعیض نامساعد من جمله از لحاظ نژاد یا مذهب یا عقاید سیاسی رفتار خواهد کرد.»

4. C.Pilloud and J.S.Pictet, "Art .75" in Y. Sandoz. C. Swinarski and B. Zimmermann (eds.), Commentary on the Additional Protocols of 8 June 1977 to the Geneva Conventions of 12 August 1949 (ICRC, MartinusNijhoff. Geneva, 1987), nos. 3042 ff.

«شعبه بدوی می‌پذیرد که هتک حرمت کرامت فرد، عبارت است از عملی که منجر به تحقیر یا تخفیف شدید قربانی می‌شود. مع الوصف، نمی‌توان پذیرفت که این تحقیر یا تخفیف باید موجب رنجی بلندمدت در قربانی شده باشد. این شعبه نمی‌تواند خود را به این نتیجه راضی کند که چرا تحقیر یا تخفیف واقعی و شدید، باید درعین حال ویژگی بلندمدت نیز داشته باشد، به زعم محکمه، نمی‌توان بهبود یافتن وضعیت قربانی یا این واقعیت را که در حال غلبه بر تبعات این جنایت می‌باشد را به‌عنوان شاخصی در نظر گرفته و قائل به این شد که اعمال ارتكابی علیه وی، موجب هتک حرمت کرامت انسانی نیست. به‌طور قطع، چنانچه درد و رنج و تحقیر ایجاد شده، سریعاً زائل شود، به سختی می‌توان اوصاف شدید و واقعی را به آن منتسب نمود. مع ذلک این بدان معنی نخواهد بود که هر قسم از سطح موقت و حداقلی از تبعات هتک حرمت کرامت انسانی عنصر این جنایت خواهد بود.»^۱

با وجود این، شعبه بدوی با عنایت به مسئله مطروحه در قضیه آلکوزوفسکی مبنی بر اینکه چطور می‌توان وجود تحقیر یا تخفیف را اندازه‌گیری نمود، این نظر را مورد تأیید قرار داد که:

«ارزیابی صرفاً ذهنی متهم، غیرعادلانه خواهد بود. زیرا فی الواقع در این صورت، قابلیت مجازات وی نه بر شدت رفتار بلکه بر میزان حساسیت قربانی متکی خواهد شد.»^۲

بر این مبنا، شعبه بدوی اظهار داشت:

«هتک حرمت فرد، عبارت است از هرگونه فعل یا ترک فعلی که عموماً به‌عنوان رفتار موجب تحقیر، تخفیف یا، هر شکلی به‌عنوان حمله شدید به کرامت انسانی مورد شناسایی قرار می‌گیرد.»^۳

علاوه بر این، دادگاه در قضیه آلکوزوفسکی شاخص‌هایی را در شناسایی شدت لازمه این رفتار ارائه داد:

«شدت رفتار و تبعات آن می‌تواند از طبیعت رفتار فی‌نفسه، تکرار آن یا ترکیب رفتارهایی مختلف ناشی شود که چنانچه به‌صورت انفرادی اتخاذ شوند جنایت در مفهوم ماده ۳ اساسنامه تلقی نخواهد شد. در احراز وقوع این جنایت، باید شکل، شدت و طول مدت خشونت، شدت و طول مدت رنج جسمی یا روانی به‌عنوان شاخص مورد توجه قرار گیرند.»^۴

1. ICTY, Judgment, The Prosecutor v. DragoljubKunarac and Others, IT.96-23 and IT 96-23/1-T. para. 501.

2. ICTY, Judgment, The Prosecutor v. DragoljubKunarac and Others, IT.96-23 and IT 96-23/1-T. para. 504.

3. ICTY, Judgment, The Prosecutor v. DragoljubKunarac and Others, IT.96-23 and IT 96-23/1-T. para. 507.

4. ICTY, Appeals Chamber, Judgment, The Prosecutor v. ZlatkoAleksovski, IT.95-14/1-T para 23/1-57.

دادگاه اروپایی حقوق بشر با عنایت به اشکال مختلف بدرفتاری مقرر در ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، یعنی رفتار غیرانسانی یا موهن، در قالب عباراتی کلی خاطرنشان ساخت: «بدرفتاری باید به حداقل سطحی از شدت رسیده باشد تا مشمول قلمرو ماده ۳ (کنوانسیون اروپایی حقوق بشر) گردد. ارزیابی این حداقل سطح، از حیث ماهیت امور، جنبه نسبی داشته و به تمامی اوضاع و احوال قضیه از جمله طول مدت درمان، تبعات روحی یا جسمی و دربرخی موارد به سن، جنس و وضعیت سلامت قربانی بستگی دارد.»^۱

به‌ویژه، عبارت رفتار موهن به‌موجب کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نخستین بار در قضیه یونان به شرح ذیل تعریف شد:

«چنانچه رفتار یا مجازات فرد به شکل فاحش وی را نزد دیگران تحقیر نموده یا وی را ملزم به انجام رفتاری برخلاف خواست و وجدانش نماید، موهن قلمداد می‌شود.»^۲

دادگاه اروپایی حقوق بشر، سپس در قضیه (ایرلند علیه انگلستان) پنج شیوه بازجویی ذیل را موهن قلمداد نمود:

«از آنجایی که این شیوه‌ها، از جمله موجد احساس ترس، اضطراب و ذلت در قربانی بودند، احساساتی که استعداد تحقیر، تحقیف و شکستن مقاومت روحی یا جسمی ایشان را دربرداشت»^۳.

این دادگاه در قضیه‌ای دیگر، عناصر مجازات موهن را به شرح ذیل تبیین نمود:

۱. مقامات با قربانی به‌عنوان شیء در دست خود رفتار نموده باشند؛
۲. این رفتار به‌صراحت، حمله به یکی از اهداف اصلی ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، یعنی کرامت و سلامت جسمی فرد باشد؛

1. ECtHR, Ireland v. UK. Publications of the European Court of Human Rights, Series A: Judgment and Decisions, vol.25, p.65;58 ILR 188 at 264; ECtHR, Tyrer case in Judgments and Decisions vol.26, p.14,58 ILR 339 at 352 ECtHR, Case of Campbell and Consans, in Judgments and Decisions, vol 48. P.13;67 IRL 480 at 492; ECtHR, Selcuk and Asker v. Turkey. Reports of Judgments and Decisions, 1998 II, p.910.

2. ECtHR The Greek case, (1972)12 Year Book of the Convention on Human Rights, p. 186 See: ECtHR., Ireland V. UK, (1976)19 Year Book of the Convention on Human Rights, p.748;58 ILR 188 at 265.

3. ECtHR, Ireland V. UK, Publications of the European Court of Human Rights, Series A. Soering case, in Judgments and Decisions Vol, 161. Para.100, p.39.98 ILR 270 at 307. ECtHR, Case of Campbell and Cosans, in Judgments and Decisions, vol 48. p.13;67 ILR 480 at 492.

در این قضیه اذعان شد، رفتار در صورتی موهن خواهد بود که فرد مزبور در برابر دیدگان دیگران یا در برابر چشمان خود، متحمل تحقیر و ذلتی شده باشد که به حداقل سطح شدت رسیده است. این حداقل سطح را باید با عنایت به اوضاع و احوال، مورد ارزیابی قرارداد.

۳. این مجازات، واجد تبعات روانی نامطلوبی باشد؛

۴. قربانی متحمل اضطراب روحی شده باشد.^۱

با توجه به رویه قضایی فوق بدرفتاری مقرر در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، می توان اظهار داشت: همان طور که درخصوص شیوه های پنج گانه بازجویی در قضیه ایرلند علیه انگلستان و نیز حمله جنسی و در قضیه توماسی علیه فرانسه اظهار شد، رفتاری واحد، این قابلیت را دارد که هم زمان موهن و غیرانسانی باشد.^۲ کمیسیون در قضیه یونان اظهار داشت، تمامی موارد شکنجه، رفتاری موهن و غیرانسانی و نیز تمامی موارد رفتار غیرانسانی، موهن می باشد.^۳ مع الوصف تمامی رفتارها یا مجازات های موهن الزاماً غیرانسانی یا واجد شدت لازم برای شکنجه نخواهند بود.^۴

کمیسیون و دیوان آمریکایی حقوق بشر نیز از تبیین دقیق تفاوت بین عبارات شکنجه و رفتار غیرانسانی و رفتار موهن مندرج در ماده ۵ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر اجتناب نموده اند.^۵ دیوان آمریکایی همچون کمیته حقوق بشر این مفاهیم را در شماری از قضایا مستقیماً نسبت به وقایع، اعمال نموده است. نهادهای مذکور در این قضایا، خود را محدود به بررسی این مهم نمودند که آیا حق برخورداری از رفتار انسانی نقض شده است یا خیر.

منابع فوق ما را به این نتیجه رهنمون می نماید که هیچ وجه افتراق واقعی بین رفتار موهن و رفتار تحقیرآمیز وجود ندارد، چه اینکه ظاهراً در مقررات حقوق بشر، عناصر تشکیل دهنده تحقیر، همان عناصر تشکیل دهنده رفتار موهن می باشد.

فهرست تمثیلی ذیل (که از قضایای حقوق بشری استنباط شده) مبین این است که چه عملی می تواند تشکیل دهنده رفتار موهن و تحقیرآمیز باشد:

۱. اشکال تبعیض نژادی (رفتار متفاوت با گروهی از اشخاص بر مبنای نژاد)^۶

1. ECtHR, Tyrer case, Publications of the European Court of Human Rights. Series A: Judgments and Decisions Vol, 26, pp.16 ff ILR 339 at 354-5
2. ECtHR, Ireland v. UK, Publications of the European Court of Human Rights, Series A: Judgments and Decisions Vol.25 Para 162 ff, pp 66 ff; 58 ILR 188 at 265; ECtHR. Tomasi v. France, in Judgment and Decisions, vol.241-A, para.107 ff, pp. 40ff.
3. ECtHR, the Greek case, (1972) 12 Year Book of the Convention on Human Rights, p.186.
4. ECtHR, Tyrer case, Publications of the European Court of Human Rights. Series A: Judgments and Decisions Vol,26, para 29, p 14; 58 ILR 339 at 352.
5. S.Davidson, "The Civil and Political Rights Protectes in the Inert-American Human Rights System; In D. Harris and S. Livingstone (eds), The Inter-American System of Human Rights (Clarendon Press, Oxford, 1998), p.230.
6. ECtHR, East African cases 3 EHRR 1973 Com Rep. P. 76; C M D H (77).

۲. شیوه‌های خاص روانی بازجویی که هم‌زمان موجد رفتار غیرانسانی است (ایستادن به موازات دیوار، پوشاندن سر، در معرض سروصدا قراردادن، محرومیت از خواب، محرومیت از خوراک و آشامیدنی)^۱؛
۳. در قضیه هورتادو علیه سوئیس، برای بازداشت قربانی از نارنجک بی‌حس‌کننده استفاده شد و قربانی در اثر آن در شلوار خود مدفوع نمود. کمیسیون به این نتیجه رسید که عدم امکان تعویض لباس تا روز آینده و موکول شدن آن به بعد از انتقال وی در بین ساختمان‌ها و بازجویی، رفتاری موهن تلقی می‌شود^۲؛
۴. اشکال خاص تنبیه بدنی^۳؛
۵. رفتارهای خودسرانه در زندان که منظور از آن تحقیر زندانی و ایجاد حس ناامنی در ایشان می‌باشد (زندان انفرادی مکرر، محکومیت به جابه‌جایی مدام به سلول‌های سرد و متعدد)^۴؛
۶. آویزان نمودن زنان به صورت عریان در حالی که دستبند به دستان ایشان بسته شده یا اجبار بلندمدت آن‌ها به ثابت ماندن در وضعیتی خاص، تشکیل‌دهنده تحقیر می‌باشد.^۵
- در ذیل جا دارد به برخی از قضایای خاص مربوط به محاکمات بعد از جنگ دوم جهانی اشاره نماییم:
- در قضیه کی مالزر، متهم به اتهام اعمال خشونت‌آمیز، توهین و تجسس عمومی مغایر با بند ۲ ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو محکوم شد. اسیران مزبور ملزم شده بودند تا به تقلید از مراسم‌شان

1. ECtHR, Ireland v. UK, Publications of the European Court of Human Rights, Series A : Judgments and Decisions Vol.25,p.96;58ILR188at 239.

2. ECtHR, Hurtado v. Switzerland, Publications of the European Court of Human Rights, Series A : Judgments and Decisions Vol280-A.P.14.

۳. جهت آشنایی با جزئیات بیشتر نک:

O'Boyle and Warbrick, Law of the European Convention on Human Rights, pp.81: ECtHR, Tyrer case, Publications of the European Court of Human Rights, Series A: Judgments and Decisions vol.26

pp.16 ff;58 ILR 339 at 534; ECtHR, Costello-Roberts v. UK, in Judgments and Decisions vol 247-C, paras 29-32, pp. 59-60/ ECtHR, Y.v. UK, in Judgments and Decisions vol247-A, Con Rep, paras, 37-46 , pp.12-14(

4. Conetris v. Uruguay, Communication No.139-1983, Report of the Human Rights Committee, UN Doc. A/40/40, Paras.9.2-10, pp.201-2.

5. Arzunda Gliboa v. Uruguay, Communication No.147/1988, /41/40, Para. 4.3.and 14 , pp-130 and 133 Soriano de Bouton v. Uruguay, Communication No37/1978, Report of the Human Rights Committee, UN Doc.A/36/40, paras 2.5 and 13, pp. 144 and 146; 62ILR 265 at 257 and 258.

مبنی بر برگزاری رژه‌های سنتی که هنگام پیروزی انجام می‌شد، در خیابان‌های شهر رم رژه روند.^۱ در قضیه تی چونیچی و دیگران، متهم علاوه بر بدرفتاری با استناد به تراشیدن موی سر و ریش و نیز اجبار اسیران جنگی که دارای مذهب سیک بودند و اجبار به کشیدن سیگار، تحت تعقیب قرار گرفت. چراکه معتقدان به مذهب سیک از تراشیدن موی سر یا ریش و نیز استعمال دخانیات ممنوع هستند (مواد ۲، ۳، ۱۶ بند ۳ ماده ۴۶ و ماده ۵۴ کنوانسیون ژنو ۱۹۲۹ و ماده ۱۸ مقررات لاهه ۱۹۰۷).

۳-۳. عنصر روانی

فقدان سرویس بهداشتی در آسایشگاه‌های کمپ ۹ به مدت طولانی برای تحقق رکن معنوی این جرم کافی است. زیرا مدت چهار سال و نیم، یعنی تمام مدت اسارت این فرض را منتفی می‌سازد که عوامل عراقی عمدی در این کار نداشته‌اند. هرچند به نظر می‌رسد سوءنیت عام برای تحقق این جرم کفایت می‌کند و نیازی به سوءنیت خاص نیست. همان‌گونه که می‌دانیم قصد بر دو قست است: قصد عام و قصد خاص.

قصد عام عبارت است از اقدام ارادی آگاهانه مرتکب. یعنی عدم ساخت توالی در آسایشگاه‌ها که به صورت ترک فعل تحقق پیدا کرده و به طور ارادی، آگاهانه و با علم صورت گرفته است. به هیچ عنوان نمی‌توان قبول کرد که اینکار از روی سهل‌انگاری و یا غفلت صورت گرفته باشد. ماهیت نیاز به سرویس بهداشتی به‌گونه‌ای است که هیچ‌کس نمی‌تواند ضرورت آن را انکار و همچنین کسی نمی‌تواند نادیده گرفتن این احتیاج بدیهی را از روی غفلت و سهل‌انگاری تلقی نماید. لذا کاملاً آشکار است این ترک فعل با علم و آگاهی صورت گرفته است.

آیا ارتکاب این جنایت نیاز به سوءنیت خاص دارد یا خیر، باید گفت که ارتکاب این جنایت نیاز به سوءنیت خاص ندارد. یعنی لازم نیست که مرتکب قصد تحقیر و اهانت هم داشته باشد. بلکه رفتار تحقیرآمیز کافی است. به عبارت روشن‌تر لازم نیست عدم ساخت سرویس در آسایشگاه‌های اردوگاه به منظور اهانت و توهین و یا حتی به‌خاطر زجر کشیدن اسیران باشد. بلکه صرفاً عدم پیش‌بینی این امکان بهداشتی برای تحقق جرم کافی است.

در تعقیب یک متهم به جنایت کیفری، عنصر روانی باید بر اساس مؤلفه‌های عینی تعدیل شود. در غیر این صورت، به عدم انصاف در رفتار با متهم منجر خواهد شد. چراکه فی الواقع مجازات وی بر شدت رفتار بستگی نخواهد داشت بلکه این حساسیت قربانی است که قابلیت مجازات متهم را دامن خواهد زد. در نتیجه، گنجاندن مؤلفه‌ای عینی در عنصر مادی بجا و مناسب خواهد بود و آن

1. In UNWCC, LRTWC, vol. XI, pp.53 ff: 13AD 289.

عبارت است از اینکه تحقیر قربانی باید آن قدر شدید باشد که هتک حرمت فردی معقول و نوعی را در پی داشته باشد»^۱.

دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق در قضیه آلکزوفسکی اظهار داشت:

«بی‌مبالاتی کافی نیست، مرتکب باید عامدانه مرتکب فعل یا ترک فعل شده باشد. لیکن عنصر عمد به تنهایی کافی نخواهد بود. گرچه ضرورتی ندارد مرتکب قصد خاص تحقیر یا تخفیف قربانی را داشته باشد. مع الوصف باید قادر به درک تبعات ممکن وقابل پیش‌بینی اقدامات خویش بوده باشد.»^۲

دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق در قضیه کوتاراک و دیگران اشعار داشت، ملاحظات شعبه بدوی درخصوص چیستی عنصر روانی جنایت هتک حرمت، در این قضیه محرز نمی‌باشد.^۳

به‌ویژه دادگاه لازم به ذکر می‌داند که تأکید کند عنصر روانی جنایت مذکور مستلزم قصد خاص تحقیر، تمسخر یا تخفیف قربانی نخواهد بود.^۴ دادگاه با بررسی رویه قضایی موجود به نتایج ذیل دست یافت:

«شعبه بدوی معتقد است که قصد ارتکاب فعل یا ترک فعل خاص که موجب مسئولیت کیفری در این چهارچوب می‌باشد، مستلزم آن است که مرتکب بر ویژگی عینی فعل یا ترک فعل مربوطه علم داشته باشد. علم بر طبیعت رفتاری خاص، بعد ضروری قصد انجام عمل را تشکیل می‌دهد. با عنایت به اینکه فعل یا ترک فعل موجب هتک حرمت فرد، فعل یا ترک فعلی است که عموماً پذیرفته شده که منجر به تحقیر، تخفیف یا دیگر حملات شدید علیه کرامت انسانی خواهد شد، متهم باید بر این ویژگی فعل یا ترک فعل خود علم داشته باشد. به عبارت دیگر، متهم باید آگاه باشد که فعل یا ترک فعل وی موجب تحقیر، تخفیف یا حملات شدید علیه کرامت انسانی خواهد شد. فی‌الواقع این امر متفاوت از آن است که لازم دانسته شود مرتکب بر نتایج واقعی آن عمل آگاه بوده است. در عمل، مسئله آگاهی از ماهیت فعل، احتمالاً اهمیت چندانی ندارد. هنگامی که آستانه عینی یک جنایت وجود داشته باشد یعنی فعل‌ها یا ترک فعل‌ها عموماً به شدت موهن و تحقیرآمیز بوده یا به‌گونه‌ای دیگر به شدت کرامت انسانی را نقض کند، به سختی می‌توان پذیرفت که مرتکب بر نتایجی که آن فعل می‌تواند در پی داشته باشد جاهل باشد.»

به نظر شعبه بدوی، جنایت هتک حرمت انسان مستلزم موارد ذیل است:

الف) متهم عامداً مرتکب فعل یا ترک فعلی شده باشد که عموماً موجب تخفیف، تحقیر یا دیگر حملات شدید علیه کرامت انسانی تلقی شده یا عامداً در ارتکاب آن مشارکت نموده باشد.

1. ICTY, Judgment, The Prosecutor v. ZlatkoAleksovski, IT.95-14/1-T.para.56.

2. ICTY, Judgment, The Prosecutor v. ZlatkoAleksovski, IT.95-14/1-T para56.

3. ICTY, Judgment, The Prosecutor v. DragoljubKunarac and Otherss, IT.96-23/1-T para508.

4. ICTY, Judgment, The Prosecutor v. DragoljubKunarac and Otherss, IT.96-23/1-T para509.

ب) مرتکب عالم باشد که این فعل یا ترک فعل، می تواند واجد تبعات مقرر در بند فوق باشد. به نظر می رسد که صرف مغایرت اعمال با قواعد بشردوستانه، مکفی برای ارتکاب جرائم جنگی می باشد و عدم علم مرتکب به ممنوعیت این جرائم موجب تبری وی نمی گردد (قربان نیا، ۱۳۸۷: ۴۲۸).

نتیجه

آنچه به عنوان نتیجه می توان از این تحقیق به دست آورد این است که حقوق اسرای جنگی در اسناد بین المللی به ویژه کنوانسیون سوم ژنو پیش بینی شده و رعایت آن برای کشورها الزام آور تلقی می شود. در صورتی که این حقوق نادیده گرفته شده و مورد نقض قرار گیرد جنایت جنگی به وقوع می پیوندد. لکن عبارات و کلمات به کار رفته شده در مواد اساسنامه های مربوط به جنایات جنگی، مخصوصاً اساسنامه دیوان کیفری بین المللی چندان گویا و روشن نیست. همان گونه که ملاحظه شد هر یک از محاکم در قضایای مختلف در تفسیر اساسنامه عقاید گوناگونی را ابراز داشته اند و تبعاً استنباط آن ها از قوانین مربوطه به هیچ وجه یکسان نیست. تفاوت این دیدگاه ها بیشتر در عنصر مادی و عنصر معنوی خودنمایی می کند. اسارت اینجانب در کشور عراق و مواجه شدن با شرایط سخت و کمبود امکانات، انگیزه ای شد تا در این خصوص حساسیت بیشتری به خرج داده تا روشن نمایم فقدان برخی از امکانات رفاهی ضروری می تواند مصادق بارزی از جنایت جنگی باشد. به عنوان مثال موضوع همین تحقیق، یعنی فقدان سرویس بهداشتی در آسایشگاه های کمپ ۹ که شاید در نگاه اول فقدان توالت در آسایشگاه را به هیچ وجه نتوان جنایت جنگی تلقی کرد؛ لکن وقتی که آثار و عوارض این نقیصه به درستی و به طور دقیق مورد بررسی قرار بگیرد معلوم می شود که چه عواقب اهانته آمیز و برخلاف کرامت انسانی به دنبال دارد. چه اینکه مطابق کنوانسیون سوم ژنو کشور اسیرگیرنده موظف است محل نگهداری اسیر را در سطح نیروهای نظامی خود فراهم آورد. لکن در صورت تخلف و عدم انجام این وظیفه که به صورت ترک فعل محقق می شود کشور اسیرگیرنده را در معرض جنایت جنگی قرار می دهد. همانگونه که روشن شد عدم ساخت سرویس بهداشتی در آسایشگاه توسط دست اندرکاران عراقی و آثار و عواقب آن موجب تحقق جنایت جنگی است. این در حالی است که مأمورین صلیب سرخ مکرراً از اردوگاه ۹ بازدید کردند و هیچ اقدامی برای رفع این مشکل انجام ندادند. شاید یکی از دلایل این کار روشن نبودن مفاهیم جنایات جنگی بوده باشد که لازم است در بازنگری های بعدی این ابهامات بر طرف شود.

منابع

فارسی

- شریعت باقری، محمدجواد (۱۳۸۴)، حقوق کیفری بین‌المللی، تهران: نشر جنگل.
- قربان‌نیا، ناصر (۱۳۸۷)، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و کمیته ملی حقوق بشر دوستانه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۳)، عناصر جنایات جنگی در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، چاپ اول، انتشارات مجد.
- جوانی، جمشید (بی‌تا)، بررسی جنایات جنگی در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، تهران.
- کریانگ ساک کیتی شیایزری (۱۳۸۳)، حقوق بین‌المللی کیفری، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، تهران: انتشارات سمت.

انگلیسی

- Commentary to Geneva Convention III, Relative to the Treatment of Prisoners of War, published under the general editorship of Jean S. Pictet, Doctor of Law Director for General Affairs of the International Committee of the Red Cross, International Committee of the Red Cross, 1960.
- S. Davidson (1998), **American System of Human Rights**, Clarendon Press, Oxford.

Cases

- Aleksovski (IT-95-14/1-T), judgment 25 June 1999.
- The European Convention of Human Rights.
- Rome statute of International Criminal Court.
- Arzunda Gliboa v. Uruguay, Communication No.147/1988, /41/40.
- Chuichi -Tanaka Chuichi and Other Case vol. XIII.
- Conetris v. Uruguay, A/40/40, Parars.9.2-10, pp.201-2.
- ECtHR, Ireland v. UK, Vol.25, p.96;58ILR188at 239.
- ECtHR The Greek case, (1972)12 Year Book of the Convention on Human Rights, p. 186.
- ECtHR, East African P. 76; C M D H (77).
- ECtHR, Hurtado v. Switzerland, Judgments and Decisions Vol280-A.P.14.
- ECtHR, Ireland v. UK: Judgment and Decisions, vol.25, p.65;58 ILR 188 at 264
- ECtHR, Judgments and Decisions Vol, 26, pp.16 ff ILR 339 at 354-5.
- ECtHR, the Greek case.
- ECtHR, Vol,26, para 29, p 14;58 ILR 339 at 352.
- Elements of crimes.
- Furunzija (It-95-17/1-t), Judgment, 10 december 1998.
- Geneva Convention III, Relative to the Treatment of Prisoners of War.
- ICTY, Judgment IT.95-14/1-T.
- ICTY, Judgment, IT.96-23 and IT 96-23/1-T.

- ICTY.Prosecutor's Pre-trial, IT.96-23-PT.PP.28ff.
- Kunarak et al (IT-96-23/1-A) Judgment, 12 June 2002.
- Kunarak et al (IT-96-23/1-A) Judgment, 22 February 2001.
- Musema (ICTR- 01/04-01/07), judgment and sentence, 28 January 2000.
- Report of the International Committee of the Red Cross on its activities during the Second World War, Vol. I, p. 263.
- The European Court of Human Rights, Case of S.F. and Others v. Bulgaria, Judgment, 07/03/2018.